

کار مسکن آزادی

مافیای رسانه

این روزها هر کجا نامی است و نانی هست نام سپاه هم هست ، با آن بودجه بی حد و حصر خود و آن پول ها و سرمایه های باد آورده. سپاه در همه ی عرصه های اقتصادی حضور پررنگ دارد و هر کجا که پای پول در میان باشد آماده است تا آن را منحصر به خود کند. رسانه اوج یکی از جولانگاههای اوست که از سال ۹۰ مشغول تولید برنامه های تلویزیونی و سینمایی است. از آنجا که قدرت رسانه و سینما را بسیار قوی و تاثیر گذار یافتند و در یافتند که دیگر با موعظه و پند و اندرز بالای منبر و ساختن مستند های دوزاری مثل شهید آوینی و... نمی توانند آن تاثیر عمیق را بگذارند و در عرصه فرهنگی رقابت کنند، سرمایه عظیم خود را به کار انداختند و خود را به سینما و تلویزیون در سطح حرفه ای رسانده و با پول و رانت و قلدری جایی برای خود باز کردند تا با زرق و برق و بریز و بپاش تولید محتوی کنند .

۱۴۱امه در صفحه ۵

نظام طبقاتی و حقوق زن

در اقتصاد سرمایه داری سود و انباشت مداوم آن حرف اول را میزند . سود از هر چیزی که قابل خرید و فروش باشد ، حتی اگر جنبه کالایی نداشته باشد ، سرمایه داری به راحتی آن را بدل به کالا کرده و برایش مشتری میابد و به فروش میرساند . اقتصاد موفق و پویا یعنی تداوم این سود جویی حریصانه و تضمین این روند به هر طریق ممکن توسط دولتهای سرمایه داری که رسالتی جز این برای خود قائل نیستند . همه مقولات از جمله انسان و انسانیت و حقوق انسانی در این قالب تعریف میشوند . همه باید در خدمت تحقق این پروسه قرار گیرند حتی اگر مایل نباشند با انواع ترفندها و نهایت اعمال قوه قهریه به خدمت گرفته میشوند . انسانیت یعنی هر آنچه من سرمایه دار ارائه میدهم و با معیارهای من مطابقت دارد .

۱۴۱امه در صفحه ۶

بیانیه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بمناسبت آغاز سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰

امسال برخلاف معمول که مدارس در اول مهرماه بازگشایی میشوند، رژیم اسلامی ایران سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۳۹ را در میانه شهریور و در دل بحران کرونا آغاز کرده است و این در حالیست که ستاد کرونا و مقامات مسئول نظام شورای پزشکی ایران باز شدن مدارس و موسسات آموزشی را اقدامی نگران کننده و مخالف توصیه ها و ملاحظات پیشگیری و بهداشتی در ارتباط با فاصله

گذاری اجتماعی قلمداد می کنند. بسیاری از شهرهای ایران در وضعیت قرمز بسر می برند و اوضاع شهرهای سفید دائما در حال نوسان هست و اضافه بر آن آمارهای رسمی دولت از تعداد مرگ و میر ناشی از کرونا و میزان مبتلایان در ایران بهیچوجه قابل اعتماد نبوده و بسیار کمتر از آمار واقعی گزارش شده اند.

۱۴۱امه در صفحه ۲

هشتک . اعدام نکنید !؟

هشتک. آزاد کنید !؟

در صفحه ۴

هر شب از این آسمان ستاره ای به زیر میکشند و باز این آسمان پر ستاره . غرق ستاره هاست

در صفحه ۷

به بهانه سالگرد جنگ ارتجاعی ایران و عراق

در صفحه ۸

شکنجه و اعدام با سرشت جمهوری اسلامی عجین است

در صفحه ۹

واژه ها و مقوله های فلسفی.

در صفحه ۱۰

سیاسی و اجتماعی

صمد . همچون ارس جاریست!

در صفحه ۱۲

سرنگون باد جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!



بیانیه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بمناسبت آغاز سال

تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰

کشتار آبانماه ۹۸، جنایت هواپیمایی اوکراین، اعدامها و دستگیری های فعالین جنبشهای اجتماعی، و تخریب و حمله به آلودگیهای محرومترین آحاد مردم معنایی دیگر ندارد. فرزندان همین کارگران و زحمتکشان هستند که موضوع بیشترین خطر و احتمال ابتلا به ویروس کرونا را دارند و همین ایناند که با سفره های خالی، بیکاری و نرخ بالای ابتلا به بیماریهای عفونی روبرو هستند و اکنون باید نگران خرید ماسک بهداشتی، دستکش و ژل ضد عفونی کننده هم باشند و این در حالیست که اگر شهروند شهرهای قرمزباشند نیاز کامپیوتر و اینترنت برای حضور در کلاسهای مجازی که برای این اقشار در حکم فوق لاکچری است را پیش پای آنان میگذارد. بسیاری از دانش آموزان روستاها قادر نخواهند بود که از طریق اینترنت در کلاسها شرکت کنند و رژیم هیچ میلی برای حل این معضل ندارد. در این رابطه، آخوند علم الهدا حتی تا آنجا پیش میرود که عدم رسیدگی به مشکل اینترنت و دستگاههای هوشمند در روستاها را، هراس مقامات از استفاده های مضر در فضای مجازی توسط این دانش آموزان و بخطر انداختن مصلحتهای امنیتی برای رژیم میداند. برآستی رژیم خطر آگاهی و دسترسی دانش آموزان به اطلاعات سانسور نشده را بیشتر از جان انسانها میداند. دانش آموزان، دانشجویان، آموزگاران و اساتید دانشگاهی اکنون که هر کدام شما در مقام آموزش و تعلیم و تربیت و یا یادگیری در کنار دیگر معضلات اجتماعی باید نگران سلامت خود و خانواده هایتان در محیط آموزشی

شهرها و روستاهای دیگر هم در ایران صدق میکند. میلیونها کارگر و خانواده هایشان هم بخاطر شرایط متزلزل کاری در میانه بحران کرونا و از دست دادن منبع ناچیز درآمدهای بی هیچ کمک دولتی و حمایت مالی به امان خودشان رها شده اند. حال این خانواده ها در عین حال برای حفظ سلامت خود و فرزندانیشان باید متحمل مخارجی از قبیل اقلام بهداشتی در کنار لوازم تحریر، لباس فرم مدرسه، کتاب و دیگر هزینه های تحصیلی هم بشوند. روحانی در سخنانی در ارتباط با بازگشایی مدارس، بحران کرونا را یک بلای طبیعی اعلام کرد و گفت که دولتش میخواهد امور کشور به حالت فعال و معمولی برگردد. روحانی هم همچون همپالگی هایش یک شیاد است و نمی گوید که رژیم اسلامی مزورانه با بی توجهی و لاقیدی به جان میلیونها نفر در ارتباط با متوقف کردن شیوع ویروس و بکارگیری اقدامات بهداشتی بموقع، بخاطر استفاده تبلیغی از کشاندن جمعیت به راهپیمایی ۲۲ بهمن، و فقدان بموقع، مجانی، و همگانی اقلام بهداشتی قابل دسترس عموم، عامدانه کرونا را در جامعه بازپخش وسیع کرد، و این هیچ ربطی به طبیعی بودن آن ندارد. این به اصطلاح بلای طبیعی که با بیعملی و خودداری رژیم از اقدامات بلادرنگ جهت حفظ و امنیت جانی و سلامت عمومی، جان صدها هزار انسان را در ایران گرفته است مسئولیتش تنها بر گردن رژیم اسلامی ایران است. از سرگیری فعالیتهای اقتصادی و روزمره اجتماعی بزعم روحانی را فقط با تشدید استثمار و سرکوب، و فساد و دزدی گسترده باندهای دولتی میتوان تفسیر کرد. ولی برای مردم زحمتکش این روزمرگی عادی رژیم جز بیکاری و فقر،

ادامه از صفحه یک
... اصرار بر بازگشایی مدارس قبل از اینکه برنامه ای عملی و سراسری جهت پیشگیری از انتقال بیشتر ویروس در نظر گرفته شود و قبل از تضمین بکارگیری مسؤله پروتکلها بهداشتی، حاکی از بی توجهی به جان میلیونها دانش آموز، معلم و خانواده های آنان است. البته رژیم ارائه یک برنامه سه وجهی که شامل کلاسهای حضوری، زوج و فرد کردن کلاسها، و همینطور کلاسهای مجازی بترتیب در شهرهای سفید، زرد، و قرمز را اعلام کرده است و ادعا میکند که احتمال چرخش و انتقال ویروس را در کنترل خواهد داشت. با تجربه کتمان واقعیت در اولین کیسهای بیماری در قم و تهران، با راه اندازی راه پیمایی ۲۲ بهمن برغم اینکه رژیم از ورود ویروس به کشور مطلع بود، با راه اندازی دستجات علم و کتل محرم در حالیکه روزانه هزاران نفر بخاطر کرونا جانیشان را از دست میدهند، و اکنون با بازگشایی عجلانه مدارس، مقامات مسئول امتحان خود را در خصوص جان و سرنوشت مردم ایران به بدترین وجهی پس داده اند و اکنون با تبلیغ این برنامه سه وجهی بدون تامین تسهیلاتی عملی کردن آن برای میلیونها دانش آموز، سعی دارد خانواده ها را مجاب کند که جان فرزندانیشان در مخاطره قرار نخواهد گرفت. واقعیت امر اما چیز دیگریست. میلیونها دانش آموز، فرزندان خانواده های کارگری و فقیر جامعه هستند. بسیاری از این کارگران بیکار و بی درآمد هستند و آسانی که هنوز کار می کنند با معضل حقوقهای معوقه و دستمزد های زیر خط فقر روبرو هستند. حدود نیم میلیون دانش آموز در بلوچستان به آموزش مجازی دسترسی نخواهند داشت و این در بسیاری از

نیافتاده و هیچ چند صد هزاری جان خود را بخاطر اهمال رژیم از دست نداده اند را باید برای همیشه خفه کرد.

دانش آموزان، دانشجویان و آموزگاران و فرهنگیان پیشرو مثل همیشه مرعوب سیاه نمایی رژیم نشده و در کنار کارگران بسیاری که در کوران بحران کرونا برای حقوق بحق شان با اعتصاب و تظاهرات شان کوتاه نیامدند، بر خواسته یک محیط امن تحصیلی با تامین تسهیلات رایگان بهداشتی و آموزشی باید پافشاری کرده و به مبارزه ادامه دهند.

مسئولیت جان دانش آموزان، دانشجویان، و کادر فرهنگی جامعه و همینطور خانواده های آنان بعهده رژیم ایران است و جامعه ایران در قبال هر گونه اهمال و بی توجهی مقامات مسئول هیچگونه توجیهی را نپذیرفته و با آن بشدت برخورد خواهد کرد.

رژیم ایران با شتاب در بازگشایی مدارس همانگونه که روحانی گفت میخواهد همه چیز را زودتر به روال عادی برگرداند و ما دقیقاً میفهمیم که منظور روحانی چیست. او میخواهد کارگران اعتصابی و معترض را بخانه برگردانده و سرکوب کند و چوب حراج بر هفت تپه و تاسیسات دیگر دولتی بزند. پاسخ مردم ستمدیده ایران هم این است که روال عادی برایشان ادامه جنبش آبانماه و مبارزات کارگری تا سرنگونی استبداد سرمایه داری و جمهوری اسلامی ایران است. مبارزه ادامه دارد حتی زمانیکه برای زنده ماندن و تداوم مبارزه باید برای باز نکردن مدارس در شرایط حاد اپیدمیک مبارزه کرد.

زنده باد اتحاد و همبستگی همه جوانان ، دانش آموزان و دانشجویان ، کارگران و زحمتکشان سراسر کشور

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران
برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی ایران
زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
۱۷ شهریور ۱۳۹۹



مدرسه کیلومترها راه را باید با پای پیاده بروند و از رودخانه های پر آب بجای پل با جعبه و طناب عبور کنند! اگر بود که بدون هیچ درنگی فرمان موشک زدن به هواپیمایی اکرابین را صادر نمیکرد که رشته جان بسیاری از همسن و سالهای شما را در کنار پدر و مادرهایشان بیرحمانه کوتاه کند! این جمهوری اسلامی است که بزرگترین ویروس ضد انسانی است. رژیم اسلامی است که با ترویج جهل و خرافه مانع شکوفایی، پویایی، و خلاقیت شما دانش آموزان شده و بسیاری از معلم هایتان هنوز قراردادی اند و با حقوقهای زیر خط فقر عهده دار تعلیم و تربیت و روشنگری شما هستند.

سنگر مدرسه و دانشگاه همواره نماد مبارزه و مقاومت برای عدالتخواهی و برابری طلبی بوده است و هم اکنون دانشجویان بسیاری هم صدا با کارگران علیه خصوصی سازی، بیکاری، و سرکوب معترضین در خیابانها به اعتراض آمده اند. در سال تحصیلی پیش رو این سنگر را باید هر چه مستحکمتر و فشرده تر در پیوند با مبارزات جاری کارگران حفظ کرده و هر چه بیشتر بسط داد.

اکنون که رژیم اسلامی ایران بالماسکه تبریک و تهنیت های رسمی بمناسبت بازگشایی مدارس براه انداخته است بدون اینکه حتی زحمت تظاهر کردن به حل مشکلات آموزشی میلیونها دانش آموز را بخود بدهد، فریاد اعتراض همنوا با کارگران باید هر چه رساتر این نمایش فریبکارانه رژیم را که انگار هیچ اتفاقی

و کاری هم باشید، وظیفه هر کدام شما بسیار حساستر و حیاتی تر شده است. در شرایطی که برخی از آموزگاران بازنشسته هنوز در زندان بسر می برند و دانشجویان بسیاری بدلیل واهی امنیتی دستگیر و از دانشگاه اخراج می گردند و کودکان بسیاری در روستاهای محروم، فاقد کلاس درسی و وسایل کافی آموزشی هستند، در شرایطی که بسیاری از شاگردان شما با شکمهای خالی بر روی نیمکتهای کلاس هایتان حاضر میشوند، در شرایطی که هم سن و سالهای شما دانش آموزان، در بلوچستان بخاطر عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم و قابل شرب طعمه تمساحها میشوند، و پدر و مادرهای شما دانشجویان، یا بیکارند و در اوج بحران کرونا و قرنطینه برای لقمه ای نان در ناامن ترین شرایط دنبال کار در خیابانها میگشتند، یا در صفوف کارگری برای حداقل حقوق صنفی شان کابل میخورند و زندانی میشوند، بیشترین آسیب متوجه شما و خانواده های شماست و بزرگترین چالش برای یک زندگی بهتر در آینده ای بدون رژیم فاسد و دزد سرمایه داری اسلامی پیش روی شما قرار گرفته است. این شمائید که در صفوف مستقل خود و در کنار مبارزات کارگران دست رژیم و برنامه های صرفاً تبلیغاتی اش را میتوانید رو کنید. بگویید که سه و نیم میلیون از کودکان روستایی حتی اگر کامپیوتر هم داشته باشند به سامانه شاد دسترسی نداشته و فاقد اینترنت هستند. بگویید میلیونها کودک نان ندارند بخورند و مدرسه را بخاطر کمک مالی به خانواده ول کرده و به کودکان کار پیوسته اند. بگویید که آموزش و حق تحصیل باید رایگان باشد و تسهیلات آموزشی و بهداشتی برای همه دانش آموزان باید توسط دولت تامین شود.

جمهوری اسلامی ارزشی برای جان شما و میلیونها انسان دیگر قائل نیست اگر بود ما با دانش آموزان بسیاری در روستاها روبرو نبودیم که هر روزه برای رفتن به

هشتک . اعدام نکنید؟! هشتک. آزاد کنید!؟

لیبرالی است که اصلاح طلبان داخلی و شبکه های خبری امپریالیستی مانند BBC و منوتو و ایران اینترنشنال ترویج میکنند که گویا رژیم با فعالیتهای هشتکی تحت فشار قرار میگیرد و به راه راست هدایت میشود . چند هزار نویدها و زانیارها و لقمان ها و رامین ها باید سرهایشان بالای دار رود تا از فضای مجازی به دنیای واقعی باز گردیم ، بعد از چهل سال زندگی با جمهوری اسلامی باید آموخته باشیم که برای آزادی زندانیان سیاسی و متوقف کردن ماشین کشتار و سرکوب رژیم ، تنها یک راه پیش روی ما قرار دارد ، به زیر کشیدن و سرنگون کردن این رژیم پلید و سپردن سران و مزدوران جنایتکار و فاسد آن به دستگاه عدل و داد انقلابی است که آن هم در خیابانها و کارخانجات و محلات و در تمام شهرهای کوچک و بزرگ محقق میشود، تنها بدین طریق است که میتوانیم در زندانها را بگشاییم و فرزندان دلیرمان را در آغوش بگیریم، اقدامات هشتکی و فعالیت در فضای مجازی تا زمانی که به فضای واقعی کشیده نشود و عینیت نیابد مشغولیاتی بیش نیست .

مسعود . تهران

نشریه سیاسی و

تحلیلی کارکمونستی. ارگان

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست را

بخوانید.



کار ، مسکن ، آزادی

در داخل و خارج کشور و همه و همه در ایران و توسط جمهوری اسلامی و در برابر دیدگان مجامع جهانی و افکار عمومی به وقوع پیوسته و در بسیاری موارد بی توجهی یا کم توجهی مجامع جهانی و افکار عمومی و مماشات وقیحانه کشورهای اروپایی موجب افزایش اعتماد به نفس رژیم شده و دریافته که میتواند با فراغ بال هر جنایتی مرتکب شود که تا به امروز هم ادامه دارد و بی شک تا رژیم حیات دارد، ادامه خواهد داشت . هشتکهای اعتراضی اگر چه به جای خود اهمیت دارد ولی صرفا یک اعتراض بی خطر لیبرالی است ولی هیچگاه نمیتواند موجب توقف ماشین سرکوب رژیم حتی کند شدن آن شود . برای رژیم این هشتکها و طوفانهای ! توثیتری صرفا جنبه سوپاپ اطمینان دارد که بخشی از جامعه با کمترین ریسک و در نرمالترین شرایط خود را تخلیه میکنند، و مطمئنا هیچ تغییری در رفتار رژیم ایجاد نخواهد شد. خواهش از رژیم که نوید را اعدام نکنید، ستوده را آزاد کنید احیانا منجر به توقف اعدام یک نفر و آزادی یک نفر دیگر خواهد شد اما برای هزاران نفری که در زندانها مخوف مخفی و علنی که حداقل هفت هزار نفرشان در آبان ۹۸ بازداشت شده اند و به قول نوید افکاری سرهای مناسبی برای طناب دارشان هستند چه باید بکنیم ؟ چند هشتک دیگر و در طی چند سال لازم است تا آنها را نجات دهیم ؟ (البته اگر تضمین شود که در آینده به این تعداد اضافه نشود) . ماشین سکوب رژیم بخشی از ماهیت رژیم است و تغییر ماهیت رژیم فریبی

متاسفانه در اثر تبلیغات دستگاههای خبری بورژوازی همواره فراموش میکنیم که در ایران با حاکمیتی به غایت خونریز و خون آشام روبرو هستیم که این خصیصه مشخصه بارز آن شده و از نخستین روزهای شکل گیریش شاهد آن بوده ایم و تا به امروز این ماشین جنایت و کشتار متوقف نشده و هرگز متوقف نخواهد شد . سران رژیم تداعی کننده داستان ضحاک مار بدوش هستند که فقط خون متضمن حیات آنهاست ، رژیم طی این سالها به خوبی نشان داده که تنها و بهترین روش حکمرانی را با قدرت عمل کردن و ایجاد رعب و وحشت ، خصوصا در بحرانی ترین شرایط ، میداند تا جایی که این روش را در مناسبات بین المللی و در ارتباط با کشورهای مختلف با کمک اراذل و اوباشش در سطح منطقه به کار برده و در موارد بسیاری هم نتیجه مطلوب گرفته است . مهمتر از همه این که نزد رژیم نظر مجامع جهانی و افکار عمومی از کمترین اهمیتی برخوردارند . قتل عام خلق ترکمن و خلق کرد در بهار ۵۸، اعدامهای روزانه تابستان و پاییز ۶۰ که هر روز اسامیشان در روزنامه ها منتشر میشد، اعدامهای سالهای ۶۱ - ۶۲ - ۶۳ - ۶۴، قتل عام تابستان ۶۷، به خون کشیدن اعتراضات سالهای ۷۸ - ۸۸ - ۹۶ - ۹۷ - ۹۸ ، به قتل رساندن روزانه کولبرها ، اعدام کودکان ، تشکیل دادگاههای فرمایشی چند دقیقه ای، شوهای اعتراف گیری تلویزیونی، شکنجه های وحشتناک زندانیان سیاسی که فقط گوشه هایی از آن به بیرون درز کرده، ترور مخالفین سیاسی

مافیای رسانه

...در باب رسانه اوج و و ثروت های بی حد و مرز سپاه و حضورش در تمام عرصه های اقتصادی و انحصاری کردن آن برای خود ، تا مرز فروپاشی اقتصادی برای همه ی اقشار جامعه ، حرف بسیار است و کسی نیست که ندیده باشد و نشنیده باشد و لمس نکرده باشد ، که چه ها نمی کنند برای تصاحب تمامی منابع موجود، و اینک و در ادامه حضورش در رسانه و تلوزیون که به قصد تزریق محتوی ورود پیدا کرده.

سریال آقا زاده یکی از دسته گل هایی است که این رسانه با هزینه میلیاردی در حال ساخت و پخش آن در بخش نمایش خانگی است ، سریالی که در آن جنگ آقا زاده ها را تصویر می کند ، البته با نقاب معصومیت برای خود سیستم و دستگاههای وابسته و تقسیم آقا زاده بد و خوب . در حالی که اولین نکته قابل توجه که به به بنیان های فکری سپاه اشاره دارد تفکر ضد زن ، ترویج فحشا و روابط و مناسبات آلوده ای است که سالیان سال است مروج آن هستند. در این سریال، آقا زاده خوب و پاک و عارف مسلک با صیغه یک ساعته و پرداخت مهریه معلوم، زن را معنا میکند و آقا زاده بد ماجرا، از زن به عنوان طعمه استفاده میکند او را به بالینشان می فرستد، تا مدیران



که مردم داد از بیداد اینان سر داده اند و هر روز برای لقمه نانی هزاران زن و مرد و کودک جان می دهند ، فقر و گرانی و تورم سر به فلک زده و شرایط اجتماعی اقتصادی سیر نزولی پر سرعتی دارد. برای دزدی های کوچک دست و انگشت می برند و کوچکترین اعتراضی به این همه جنایت پیشگی و پتیارگی، تنها پاسخش زندان است و شکنجه و اعدام.

باری، آقازاده ای که پشت رسانه ضد فرهنگی و متحجر اوج نشسته، تصمیم گرفته است، با یک کادر بازیگری میلیاردی ، همگی چهره، و با دستمزد بالا ، حرف هایی را بزند که هیچ ارگان دیگری جرات و اجازه گفتن آن را ندارد و تنها خود او این مصونیت در گفتار و نمایش را دارد و جنگی را ترسیم می کند که با آن درگیر است (البته با نقاب کذایی معصومت) جنگی که به خاطر ابعادش ، لو رفته و دیگر قادر به پوشاندن آن نیستند و گر نه هنوز از در انکار در می آمدند، که همه چیز امن و امان است و ما هنوز روی زیلو نان و پیاز میخوریم ، بیایید ببینید و هزار داستان و قصه بسازد که ما بری هستیم و پاک. این آقازاده قلدر حالا مجبور شده به بخشی از فساد سیستماتیک اعتراف کند و هزینه کلان بپردازد تا نوک پیکان را باز به سوی دشمن فرضی بچرخاند.

شیرین

سیستم را خلع سلاح کند و مانع کارهایش نشوند. آقا زاده بد ماجرا که سرمایه عظیمی به واسطه آقازادگی اش در اختیار دارد از رانت خواری و رابطه و قرار داد های کلان و یک دو جین افتضاح که مدام هم زده می شود با آقا زاده خوب و معصوم ماجرا در جنگ است. گذشته از بار مثبتی که به زور به حلقوم سریال فرو شده است تا سیستم را مبرا کند ، که بسیار هم احمقانه و ابتدایی است ، برای نشان دادن ملعون بودن آقازاده بد ماجرا ، به خوبی، کثافت سیستم فاسد و تا گردن در لجن فرو رفته را به نمایش می گذارد، از انحرافات جنسی گرفته، تا هر نوع رفتار وقیحانه ی دیگر .

آقازاده ها و جنگ بین آنها برای تصاحب قدرت و منابع بیشتر، و نمایش آنها در کاخهایی که آن سرش ناپیداست، با اتومبیل های آنچنانی و حرمسراهایشان و رقابت بر سر گسترش امپراطوری شان ، وقیحانه در حالی ساخته می شود،

نظام طبقاتی و حقوق زن



کافیست . با چهارشنبه های سفید و دختران خیابان انقلاب این حقوق تامین خواهد شد و به مانند کشورهای به اصطلاح غربی به آزادی میرسند و از تمامی مواهب زندگی بهره مند خواهند شد حتی میتوانند به تن فروشی به عنوان یک شغل قانونی با حمایت‌های دولتی بپردازند ، سندیکا داشته باشند و مطمئن باشند دولت نخواهد گذاشت حقی از آنها ضایع شود و منبع درآمد سرشاری باندهای قاچاق و فروش زنان که اغلب با مقامات دولتی در کشورهای مختلف پیوند تنگاتنگی دارند ، تضمین شود .

براستی مشکل چند درصد زنان ما نوع پوشش و چگونگی ارتباطات شان است . پر واضح است زنان مرفه در هر شرایطی بهره کافی و وافی را از مواهب زندگی میبرند و هیچ حجابی مخل آسایش و رفاه آنها نمیشود . مسئله اصلی زنانی هستند که پایه پای پدران و همسران و پسران و برادران خود ظلم و ستم طبقاتی و فقر و گرسنگی و بی خانمانی گسترده را با پوست و گوشت خود لمس میکنند چه با حجاب باشند و چه بی حجاب ، چه در ایران و عراق و افغانستان و ترکیه و عربستان باشند و چه در انگلستان و فرانسه و آمریکا و

حفظ حجاب میدانند که مردان موفق در دامن چینی زانی پرورش میابند و از این دامن به معراج میروند پس باید بکوشند مالشان را چنان حفظ کنند که هیچ نگاهی با نگاه آنها در محظوظ شدن از این متاع شریک نشود در غیر این صورت بنیادهای دین سست میگردد . این مفسدین فکری بر این باورند که نگاه به زن ابتدابه ساکن به منظور حظ بصری است ، چنانکه مردان منحرف بسیاری هستند که همواره در برخورد با زنان اولین چیزی که در ذهن دارند به دست آوردن و مالک شدن آنها است و تنها چیزی که مطرح نیست انسان بودن آنها و داشتن حقوقی انسانی فارغ از جنسیت است . البته در برده داری مدرن هم که بورژوازی سردمدار آن است زن نوعی کالا است با این تفاوت که محق است !! روسری بر سر نگذارد ، هر پوششی خواست داشته باشد ، با هر کس خواست روابط داشته باشد و به راحتی بتواند با خود آرایی و خود نمایی و اغواگری که گویا تنها مشخصه زن بودن است ، در خدمت مناسبات سرمایه داری باشد . در این جا اختلاف بر سر نوع پوشش و حضور زن در جامعه است و به هیچ وجه حقوق زن بدون در نظر گرفتن جنسیت به عنوان یک انسان تماما برابر با مرد مطرح نیست همین که زن از پستوی اندرونی خارج شود و چادر و چاقچور را به کنار نهد

... ادامه از صفحه یک
در این مناسبات بخش اعظم جامعه انسانی به مانند کالایی هستند که هر کدام قیمتی دارند فی المثل کارگران به واسطه عرضه نیروی کارشان ارزشمندند و هر کدام بسته به سن و تواناییها یشان قیمتی دارند و باید تغذیه شده و تجدید حیات مداوم داشته باشند تا بتوانند با نیروی کار و تولیدشان چرخه سود رسانی مداوم سرمایه را برقرار نگاه دارند و در قبالتش مبلغی بابت بهره کشی از آنها تحت عنوان دستمزد پرداخت میشود تا این دور تسلسل باطل تداوم حیات و فروش نیروی کار و تولید سود ادامه پیدا کند . در چنین مناسبات بهره کشی ، به زنان هم به عنوان بخشی از این چرخه نگریسته میشود ، زنان هم نوعی کالا هستند که قابلیت بیشتری هم دارند ، علاوه بر فروش نیروی کارشان به فروش تنشان هم به عنوان منبع سرشار درآمد نگریسته میشود . اگر نیروی کار کارگران مالکی دارد زنان تمام وجودشان در تملک قرار دارد و این مالکان هستند که حق خود میدانند تعیین و ترویج کنند چه بپوشند و چگونه بگردند ، برخی با باورهای ارتجاعی و پوسیده فئودالی زن را مانند اموال منقول و غیر منقول خود میدانند و خود را صاحب اختیار ، و معتقدند که " زن مانند زمینی است که فقط باید در آن بذر کاشت " (نهج البلاغه) و ارزنده ترین زینت زن را

نظام طبقاتی و حقوق زن

اسپانیا ، با این تفاوت که در کشورهایمانند ایران و عربستان و پاکستان علاوه بر ستم و استثمار طبقاتی ، ستم مضاعفی را که به عنوان زن بودن بر آنها تحمیل میشود بیشتر و بهتر حس میکنند و بهره کشی جنسی از آنها در کشورهای به اصطلاح غربی قابل تحملتر مینماید و کمتر مورد خشم و غضب مردان غیرتی ! خانواده قرار میگیرند . نوع پوشش و چگونگی روابط و نحوه زندگی حق ابتدایی هر انسانی بدور از جنسیت ، است و هیچ انسانی نباید برای دیگری تعیین تکلیف کند ، تقلیل دادن خواسته های زنان به این موارد بدیهی و ابتدایی در اصل ظلم به زنان و مشغول کردن و به انحراف کشاندن بخشی از نیروی پیکارگر بر علیه ظلم و ستم و استثمار سرمایه داری است ، آزادی زن در دفاع از حقوق برابر خود با مردان در تمامی عرصه های زندگی و تثبیت آن در جامعه خلاصه میشود و این ممکن نخواهد شد جز با پیوند تنگاتنگ مبارزه هر دو جنس ، زنان میبایست به همراه مردان آزادی خود را در سرنگونی جمهوری اسلامی و برچیدن مناسبات سرمایه داری ببابند ، نگاه کالایی به بخشی از انسانها مشخصه بارز نظام طبقاتی است ، رهایی انسان کالا شده در گرو رهایی طبقه کارگر و برچیدن این مناسبات است .

مسعود

هر شب از این آسمان ستاره ای به زیر میکشند و باز این آسمان پر ستاره ، غرق ستاره هاست

بار دیگر جمهوری جنایتکاران ماهیت پلید خود را عیان کرد، بار دیگر یکی از فرزندان دلیراین سرزمین را سر به دار کرد تا چون ضحاک حیات ننگین خود را تضمین کند. به قتل رساندن نوید اولین نبوده و بی شک آخرین هم نخواهد بود، زندان و شکنجه و اعدام از مشخصه های اصلی جمهوری اسلامی است که در این چهار دهه هیچگاه متوقف نشده، اعمال سیاست " النصر بالرعب " یا بهتر بگوییم قلدری و تهدید و ارعاب و انجام جنایت سرلوحه تمامی اقدامات رژیم بوده، تثبیت جمهوری اسلامی بر روی خون هزاران زن و مرد و پیر و جوان به مدت چهل سال برای رژیم این توهم را بوجود آورده که این روش همیشه به بار مینشیند. اگر رژیم در آغازین سالهای شکل گیری با کشتار و قتل عام خلقها و تیرباران روزانه گروه گروه در زندانها و قتل عام گسترده تابستان 67 در سکوت و مماشات کشورهای جهان و مجامع حقوق بشری ! توانست حیات خود را تضمین کرده و خود را تثبیت نماید، اینک که در پی افزایش سرسام آور گرانیها ، گسترش شدید بیکاری و فقر، ناتوانی توده ها در تامین معاش روزانه خود، سرنگونی دردناک خود به دست توده های خشمگین و به جان آمده را نزدیک میداند، میکوشد با درندگی و جنایت، رعب و وحشت را بر جامعه تحمیل کند، اکنون 31 نفر دیگر در زندان زیر حکم اعدام قرار دارند و هزاران نفر اسیر دست دژخیمان هستند که هر آن محتمل است بار دیگر تابستان 67 در مورد این آزادگان تکرار شود. وظیفه عاجل ماست که برای جلوگیری از وقوع این کشتار بپا خیزیم، ملاحظت و مدارا در برابر رژیم موجب جری تر شدن آن در ارتکاب این اعمال شنیع و نفرت آور خواهد شد. تنها راه پایان دادن به قتل و جنایت سازمان یافته دولتی که چهار دهه بر این سرزمین حاکم است فقط سرنگونی جمهوری اسلامی است، بسنده کردن به انجام فعالیت مجازی و دلخوش کردن به بسیج افکار عمومی نه تنها کافی نیست بلکه کمترین نتیجه را به بار خواهد آورد، این حکومت به تجربه نشان داده که برای افکار عمومی و مجامع حقوق بشری کمترین اهمیتی قائل نیست و چنانچه در شرایط استیصال قرار گیرد در سوری کردن ایران لحظه ای تردید به خود راه نمیدهد، باید با قدرت و انسجام به مصاف رژیم رفت، در برابر قدرت توده های سازمان یافته و مسلح هیچ نیرویی توان ایستادگی و مقابله ندارد. ما به سهم خود تمامی توان و امکانات خود را برای سازماندهی و تشکل جوانان و کارگران و زحمتکشان به کار بسته ایم و به همه پیکار جویان دست وحدت و یاری میدهیم تکلیف این رژیم جانی باید در فضای واقعی و با اعتراضات وسیع خیابانی و گسترش اعتصابات سراسری و منهدم کردن تمامی ارکان اقتصادی و سیاسی و نظامی با قیام مسلحانه توده ای صورت پذیرد .

سرنگون باد رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری فدراتیو شورایی
زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

کمیته ایالتی تهران

۲۵/۰۶/۹۹

به بهانه سالگرد جنگ ارتجاعی ایران و عراق

جوانانی بدون کمترین تجربه جنگی در برابر ارتش کلاسیک و حرفه ای عراق گوشت دم توپ شدند تا جمهوری اسلامی بماند . رژیم در جو کاذب میهن پرستانه که پیر و جوان را درگیر کرده بود توانست در وحله اول با لیبرالهای درون حکومت تسویه حساب کند و به دنبال آن سراغ انقلابیون و کمونیستها رفته و با براه انداختن بگير و ببند و زندان و اعدام گسترده معضل این استخوان در گلو را به زعم خود حل کرد .

تداوم هشت ساله جنگ کمکی بزرگی بود برای تثبیت رژیم بود ، آنچه رژیم برای بقایش از آسمانها طلب میکرد در زمین به یاریش آمد ، تمامی مشکلات و معضلات سیاسی و اقتصادی و امنیتی رژیم با کمک این جنگ و به قیمت جان باختن هزاران نفر و ویرانی های بی شمار حل شد و به خوبی توانست خود را تثبیت کند . اکنون که فشار تحریمها و مسدود شدن تمام منابع درآمدی رژیم آنرا در بحرانی ترین شرایط عمر خود قرار داده که عملا ابتدایی ترین فعالیت های روزمره دولت مختل شده و اوج گیری نارضایتی توده ها و خطر شورش و قیام گرسنگان به شدت حیاتش را تهدید میکند و مرگ محتومش را به وضوح میبیند ، در فکر راهی برای رهایی از این بحران است و به تجربه جنگ را آخرین راه نجات میداند ، جنگی که

کردن ناسیونالیسم عربی میلیاردها دلار کمکهای مالی کشورهای عرب منطقه را به چنگ آورد تا به باورش قادسیه دیگری را رقم زند و قرار داد الجزایر با شاه را که به گمانش جز خفت نداشته به زباله دان تاریخ اندازد ، جمهوری نوپای اسلامی هم که از همان ابتدا با مشکلات عدیده ای مواجه بود و فضای باز سیاسی بوجود آمده به برکت قیام توده ها و فعالیت نیروهای سیاسی بخصوص کمونیستها را بزرگترین معضل و خطر برای خود و نظام سرمایه داری که متعهد به حفظ آن بود ، میدانست ، از جنگ استقبال کرد .

جنگ این امکان را فراهم کرد که انبوهی را برای نجات ایران اسلامی از خطر تجاوز به گرد خود آورد ، برخی برای نجات میهن ، تا جایی که حتی برخی از نیروهای سیاسی تحت عنوان جنگ میهنی متوهم روی به جبهه ها آوردند (و البته مزد خود را از رژیم گرفتند و عده زیادی دستگیر شده و تعدادی هم اعدام شدند) و برخی هم برای نجات اماکن متبرکه !! شیعی از دست کفار بعثی و راهی شدن برای نجات قدس شریف ! از کربلا راهی جبهه های حق علیه باطل شدند . فوج فوج

همه چیز از حمله هوایی عراق به فرودگاه مهرآباد در شهریور ۵۹ آغاز گشت ، جنگی ک از نظر نظامی و میدانی رژیم عراق شروع کننده آن بود ولی تبلیغات تحریک آمیز و مداخله گرانه خمینی و مقامات رژیم تازه به قدرت رسیده جمهوری اسلامی در تشویق و ترغیب ارتش و مردم عراق برای شورش و قیام بر علیه رژیم صدام به منظور صدور انقلاب اسلامی به عراق بهترین بهانه و محمل برای شروع جنگ توسط صدام را به دست داد ، جنگ خانمان سوزی که هشت سال طول کشید و فقط هزاران کشته ، میلیونها آواره و ویرانی و نابودی شهرها و روستاهای بسیار در هر دو کشور برای توده ها به ارمغان آورد ، ولی حکومت بعثی عراق و جمهوری اسلامی ایران بالاترین بهره را از این جنگ بردند تا جایی که خمینی آن را " نعمت " خواند و به راستی هم نعمت بود . خوانی گسترده شد و موقعیتی فراهم شد تا صنایع نظامی و تسلیحاتی آلمان و فرانسه و ایتالیا و انگلیس و آمریکا و حتی اسرائیل با فروش تولیدات خود به عراق و ایران سود سرشاری به جیب بزنند ، رژیم صدام با علم

رفقا و مبارزین راه آزادی و برابری ، نشریه « راه سرخ » صدای بی صدایان و منعکس کننده مبارزات کارگران و زحمتکشان و فعالین کمونیست داخل کشور میباشد. از طریق ایمیل زیر گزارشات ، نظرات و پیشنهادات ارزشمند و انتقادات سازنده خود را با ما در میان بگذارید و ما را در بالا بردن کیفیت نشریه و انجام وظایف انقلابی مان یاری رسانید.

Rah_sorkh@yahoo.com

شکنجه و اعدام با سرشت جمهوری اسلامی عجین است

روز شنبه ۲۲ شهریور ماه، نوید افکاری کارگر گچکار، قهرمان کشتی، و از دستگیرشدگان اعتراضات عمومی سال ۹۷ برغم اعتراضات وسیع در داخل و خارج کشور، بدست جلادان جمهوری اسلامی اعدام شد.

خبر اعدام نوید افکاری خشم و نفرت عمومی را در داخل و خارج کشور نسبت به جنایتکاران حاکم چنان برانگیخته است که آنها مجبور شده اند مسئولیت اعدام شدن نوید افکاری را به گردن خانواده مقتولی بیاندازند که نوید افکاری هرگونه دخالت در قتل وی را تکذیب و استنادات دادگاه را اعترافگیری زیرشکنجه اعلام نموده بود. رژیم رسوای جمهوری اسلامی که خود را درلبه پرتگاهی میبیند که سرانجام اش سقوط و نابودی است، به شیوه همیشگی خود و بی شرمانه، ازاعترافات زیر شکنجه فیلم تهیه کرده و آنرا از تلویزیون حکومتی پخش نمود.

نوید افکاری معترض ستم و سرکوب، کارگر گچ کار و نائب قهرمان نوجوانان ایران و دو برادرش که اکنون ازسرنوشت آنها خبری در دست نیست، چندروز بعد ازفرکش کردن اعتراضات سراسری آبانماه سال ۹۷ به جرم شرکت درتظاهرات بازداشت شده بودند و در زندان با اتهام قتل "حسن ترکمان" مامور امنیتی رژیم و کارمند حراست شرکت "آبفای" شیراز مواجه شده و توسط ماموران امنیتی به زیر شکنجه برده میشوند. نوید افکاری در بیدادگاه جمهوری اسلامی به دوبار اعدام محکوم میشود و برادران وی بنامهای وحید افکاری و حبیب افکاری به ترتیب به ۵۴ و ۲۷ سال زندام محکوم میشوند. نوید افکاری از درون زندان اعلام کرده بود " اگر من بی گناه اعدام شدم، عقل و منطق حکم میکند که این اولین قربانی بی عدالتی این بیدادگاه باصطلاح عدالت محور نبوده است، سکوت شما یعنی حمایت از ظلم و ظالم..."

واقعیت هم همین است که نوید افکاری، این جوان مبارز و آزادیخواه گفته است. این رژیم بیش از چهل سال است که جنایت آفریده و برای ادامه استثمار مضاعف و غارت و چپاولگری و ثروت اندوزی طبقه حاکم، به هرجنایت دیگری دست خواهند زد. اجرای حکم اعدام نوید افکاری درست درزمانی که خاطره زندانیان سیاسی قتلعام شده در شهریور ۶۷ گرامی داشته میشود، مبین این واقعیت انکارناپذیر است که جنایت پیشگی و کشتار مخالفین با سرشت طبقه حاکم و دولت سرکوبگر مذهبی آن عجین است. برای پایان دادن به ستم واستثمار و زور و سرکوب و شکنجه واعدام، میباید دامنه مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم حاکم را گسترش داد.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ضمن اعلام همدردی با خانواده، بازماندگان نوید افکاری وتوده های تحت ستم و استثمار ایران اعلام میکند که خون جوانانی همچون نوید افکاریها برجای نخواهد ماند. رژیم به عبث میکوشد با توصل به دار و درفش، توده های مردم بجان آمده را ساکت کرده و چند صباحی دیگر به حیات ننگین خود ادامه دهد. گسترش اعتصابات و اعتراضات عمومی و اعلام نفرت از عمل جنایتکارانه رژیم و نیز عدم شرکت توده های زحمتکش مردم در "انتخابات" نمایشی دور دوم مجلس ارتجاع، تنها انعکاس گوشه ای از خشم و نفرت توده ای از غارتگری، فساد و سرکوبگری نظام حاکم و جواب دندان شکنی به مافیای قدرت و ثروت است که با اعدام جوانان نمیتواند جو رعب و وحشت را برجامعه حاکم کند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی
زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحادفدائیان کمونیست
بیست و سوم شهریورماه ۹۹

یک طرف آن حتما آمریکا باشد و به مانند جنگ قبلی خود مظلوم قلمداد شود و مورد تجاوز تا بتواند از جو تبلیغی آن بهره ببرد و بخشی از افکار عمومی متوهم جهان را که گویا رژیم با امپریالیسم آمریکا مبارزه میکند بسیج کنند. توقیف نفت کشها، حمله به نفتکشها، سرنگون کردن پهباد آمریکایی، مانورهای تحریک آمیز قایقهای تندرو اطراف ناوهای آمریکایی، حمله به آرامکو، حمله موشکی به پایگاه امریکا در عراق (در مورد اخیر تقریبا مطمئن بود که آمریکا پاسخ خواهد داد به همین منظور آماده باش صد در صد داده بود و با شلیک عمدی و آگاهانه موشک به هواپیمای اوکراینی و سرنگون کردن آن به دنبال ایجاد جوی بوده که به محض حمله آمریکا این جنایت را به گردن آمریکا انداخته و موج تبلیغی گسترده علیه امریکا در داخل و خارج براه اندازد از بخت بد هیچ عکس العملی از آمریکا صورت نگرفت و سرنگونی هواپیمای اوکراینی موجب بحرانی بین المللی برای رژیم شد)، به رخ کشیدن امکانات و تاسیسات موشکی خود، برگزار مانورهای مشترک نظامی با روسیه و چین در سواحل دریای عمان و آبهای آزاد..... تا کنون بی نتیجه بوده، ولی این رژیم جنگ طلب که بقایش در ایجاد بحران و آشوب و جنگ در منطقه است هیچگاه از تک وتا نمی افتد و در هر شرایطی مترصد پیشبرد اهداف شوم خود است.



واژه ها و مقوله های فلسفی، سیاسی و اجتماعی

برای تسهیل ارتباط فکری جنبش چپ

" اتحادیه "

اتحادیه های کارگری، به یاس مبدل شد و انگلس بکرات به تاثیر مخرب اشرافیت کارگری انگلیس بر رادیکالیسم سیاسی طبقه کارگر آن کشور، تاکید کرد. با اینحال مارکس همچنان در نقدی بر برنامه گوتا به حذف مبحث مربوط به اتحادیه ها شدیداً انتقاد نمود.

بعدها سه دیدگاه انحرافی در مورد اتحادیه کارگری شکل گرفت :

۱ - " اتحادیه گرایی صاف و ساده " (Pure and simple trade unionism) که بویژه توسط فدراسیون کار آمریکا و همچنین دیگر اتحادیه های انگلیسی نمایندگی می شد. این دیدگاه بوضوح روابط سرمایه داری را در چارچوب مقدس اهداف و شیوه های فعالیت اتحادیه های در نظر می گرفت . این دسته شامل اتحادیه های کاتولیک اروپا (۱۸۹۰) نیز می گشت.

۲ - " آنارکو سندیکالیسم " دیدگاه دیگری بود که اگرچه امیال انقلابی داشت، با اینحال اتحادیه های کارگری را شرط لازم و کافی برای خود آگاهی سوسیالیستی طبقه کارگر و سرنگونی سرمایه داری می دانست.

۳ - گرایش سوم دیدگاه فرمیست های حاکم بر انترناسیونال دوم بود که علیرغم ادعای ضرورت مبارزه کارگران برای سوسیالیسم، با متمایز نمودن وظائف اتحادیه های کارگری و

کارگری، یعنی شکل شورائی قدرت و دولت کارگری را کشف نمود). در این آثار اولیه، اتحادیه های کارگری از سه جانب خصلت یابی شدند :

۱ - اتحادیه ها نتیجه طبیعی رشد سرمایه داری بوده و بمثابه جزء ارگانیکی از آن، عمدتاً برای مقابله با پایین آوردن دستمزدها و جایگزینی ماشین آلات بجای کار انسانی بکار گرفته می شوند.

۲ - اتحادیه ها از لحاظ اقتصادی چندان هم بی تاثیر نبوده و برخلاف درکهای پرودون و لاسال، قادر به مقابله با نزول دستمزدها می باشند، اگرچه که به سختی قادر به ارتقا دستمزد ها از حد قیمت نیروی کار بوده و بخصوص در روند رو به تمرکز انباشت سرمایه و بروز بحران های ادواری قدرت آنها در معامله و دفاع از منافع خود، تقلیل می یابد.

۳ - در نتیجه این محدودیت های اقتصادی، قدرت اتحادیه موجب سازماندهی طبقاتی کارگران و ارتقا مطالبات آنان به خواسته های سیاسی و نهایتاً شرکت در مبارزه طبقاتی انقلابی می گردد. از اینرو، مارکس و انگلس همواره در روند شکلگیری و فعالیت در انترناسیونال از رهبران تشکیلات اتحادیه ای دعوت می نمودند.

البته با رشد اشرافیت کارگری، امید مارکس و انگلس به رادیکالیسم

واژه " اتحادیه " (انگلیسی Trade Union ، فرانسوی Syndicate) به آن دسته از سازمان های توده ای کارگری، چه در بخش صنعتی و چه در بخش خدمات و فرهنگی اطلاق می شود که برای دفاع از منافع اقتصادی کارگران (مزایا و بهبود شرایط کار) در چارچوب نظام موجود (چه سرمایه داری و چه پس از کسب قدرت سیاسی در پروسه ساختمان سوسیالیسم) بوجود می آیند . " اولین کوشش های کارگران برای ایجاد همکاری مشترک بین خود آنها، همواره شکل اتحادیه را بخود می گیرد . " (مارکس)

مارکس و انگلس در آثار اولیه خود (شرایط طبقه کارگر انگلیس اثر انگلس و فقر فلسفه اثر مارکس) تحت تاثیر مبارزات رادیکال اتحادیه های کارگری (بخصوص از زمانی که طبقه کارگر بمثابه یک نیروی اجتماعی مستقل در صحنه سیاست ظهور کرد، قیامهای لیون ۱۸۳۱ و ۱۸۳۴، قیام بافندگان سیسیلی ۱۸۴۴ و چارتیستها)، به نقش این تشکیلات در ارتقا آگاهی و همبستگی طبقاتی کارگران بها فراوانی دادند. آنها در مانیفست حزب کمونیست آنرا شکل بروز اتحاد طبقاتی (خودآگاه) کارگران قلمداد نمودند. (البته بعداً در مقطع کمون پاریس مارکس شکل برتر قدرت

حزب سوسیال دمکرات و " انتظار " برای فرا رسیدن خودبخودی شرایط سرنگونی سرمایه داری، عملاً بر نقش اتحادیه ها پر بها داده و نقش حزب را در سازماندهی سیاسی و ایدئولوژیک آن در مبارزه طبقاتی نادیده می گرفت و بدین طریق به اکنومیسیم (Economism) روی می آورد.

لنین اگر چه معتقد بود که شکل گیری اتحادیه در مراحل اولیه رشد سرمایه داری قدم مهمی در جهت وحدت طبقاتی کارگران غیر متشکل بشمار میرود، ولی با ظهور طبقه کارگر بمثابه یک نیروی اجتماعی مستقل در صحنه سیاسی و بروز ضرورت پیوند جنبش طبقه کارگر با جنبش سوسیالیستی، اتحادیه های کارگری (بخاطر اهداف محدود این تشکل ها) بیش از پیش به مانعی در جهت وحدت و رشد آگاهی طبقاتی کارگران بدل می گردند. وی در خصلت یابی اتحادیه های کارگری، آنها را محصول جنبش خود بخودی کارگران " برای مبارزه مشترک با موازین دولت برای بهبود شرایط سخت کار و زندگی خود، ولی نه برای از میان برداشتن خود این شرایط، یعنی شرایط استثمار کار توسط سرمایه" می داند.

بعقیده لنین طبقه کارگر در جنبش خودبخودی خود نهایتاً به آگاهی اتحادیه ای (" تردیونیونی ") (صنفی و اقتصادی) می رسد و از اینرو وی با تاکید بر ضرورت ارتقا مبارزات کارگری به سطوح سیاسی - ایدئولوژیک، و محدودیت " ذهن تردیونیونی " کارگران، بر ضرورت مبارزه در درون اتحادیه ها برای

استراتژی انقلابی و مقابله با دیدگاههایی که به ایجاد جدائی مابین فعالیت اجتماعی و سیاسی - ایدئولوژیک می پردازند، اشاره نموده و آنرا از وظائف مهم حزب سوسیال - دمکرات (بعدها " حزب کمونیست) بشمار می آورد. بقول لنین، آگاهی سوسیالیستی را می بایست از " خارج " بدرون اتحادیه ها و جنبش خودبخودی طبقه کارگر برد (توسط حزب کمونیست).

اگر چه اتحادیه های کارگری تشکیلاتی هستند که بمنظور دفاع مشترک از منافع اقتصادی کارگران در مقابل سرمایه دارن بوجود می آیند، با اینحال باید متذکر شد که وظائف آنان قبل و بعد از کسب قدرت سیاسی متفاوت است . هنگامیکه پرولتاریا قدرت حاکمه را در دست دارد، اتحادیه، بغیر از وظائف عام خود در رابطه با منافع اقتصادی کارگران، به حوزه مناسبی

«تولید بزرگ اشخاصی را که یکدیگر را نمی شناسند در یکجا جمع مینماید، گر چه منافع آنان بر اثر رقابت متفاوت و مختلف است ولی حفظ دستمزد و جلوگیری از تنزل آن عده از کارگرانی که در یک محل کار می کنند دور هم جمع می نماید. این هدف مشترک که در مقابل کارفرما استقامت نمایند، آنها را با هم نزدیک می کند و فکر ائتلاف و همکاری را در مغزشان پرورش میدهد، وادارشان می کند که در مقابل کارفرما به یکدیگر کمک نمایند و این همکاری سپس به ایجاد دسته ها و اتحادیه ها منجر می گردد. در مقابل اتحاد طبیعی سرمایه داران اتحادیه کارگری جبراً بوجود می آید و همکاری و یگانگی کارگران ضروری تر می گردد. و این همکاری و اتفاق در برابر وحدت سرمایه لازم تر از حفظ و نگاهداری دستمزد میگردد. این مبارزه در واقع جنگ داخلی است. در اینجا تمام عناصری که باید در نبرد بزرگ آتی شرکت کنند متحد میشوند و وحدت خود را توسعه میدهند... تشبثات کارگران برای همکاری بالنتیجه شکل ائتلاف بخود می گیرد و این ائتلاف همواره دو هدف را تعقیب می نماید: موقوف کردن رقابت بین خود کارگران و مبارزه با نیروی مشترک علیه سرمایه داری»

کارل مارکس "فقر فلسفه"

مال او می بود. او بدینسان نسل نوپای جامعه را به مضامین قصه هایش پیوند میزند و آنها را رهنمود میدهد تا حول و حوش خود را با بصیرتی هر چند محدود از لابه لای کلامش دریابند و بشناسند .

صمد نوشته هایش را برای چیز گفتن و صرفا بیان داشتن اندیشه های فردی اش عرضه نمیکرد . او در سراسر نوشته ها و آثارش سخن حرکت و تغییر دادن، ساختن، دگر سازی و دگرگونی را به زبانی ساده به ما می اموخت. از این رو آثار صمد نه برای سرگرمی بلکه برای انقلاب بود و هست .

آنگاه که هنگامه عمل فرا میرسد و مناف فلکی ها و نابدلها قدم در راه میگذارند، میگوید " کیف کرده ام که آنچه تا یکی دو سال پیش برای من جز طرح و نقشه چیزی نبود دارد آغاز میشود و صورت عمل می یابد ... " او با به تصویر کشیدن تمامی مظاهر ستم و تعدیات نظم استثمارگرانه حاکم، همواره بر این نکته تاکید داشت : " دیگر وقت آن گذشته است که ادبیات کودکان را محدود کنیم به تبلیغ و تلقی نصایح خشک و ملامت آوری که نتیجه نهائی همه آنها بی خبر ماندن کودکان از مسائل حاد و بزرگ و حیاتی محیط زندگی است." صمد در " کندوکاو در مسائل تربیتی ایران " نظام آموزشی و ویژگیهای فرهنگ منحن استعماری دستاورد امپریالیست ها را بیداد انتقاد گرفت و تصویری از آموزش نوین و فرهنگ مترقی و بالنده را بیان داشت .

فقدان زود هنگام صمد در عرصه ادبیات معاصر، بدون شک ضایعه ای بود بس اسفبار، اما آوازه نبوغ صمد سالیان دراز است که به فراسوی مرزها کشیده شده و تمامی رنجدیدگان و کودکان برهنه پای یاد و نام او را در آثارش که منبع و مبشر صبح رهایی انسان دربند است، زنده نگه میدارند. او همچون ارس جاریست .



صمد ، همچون ارس جاریست!

پنجاه و دو سال پیش در نهم شهریور ۱۳۴۷، صمد در آبهای ارس به ماهی سیاه کوچولو پیوست.

صمد بهرنگی را باید در

اندیشه و آرمانش و در کلام مسطور اما بی پیرایه اش که تلاطوئی در ادبیات بالنده ایران شد شناخت .

صمد با درک عمیق از قانونمندیهای جامعه و مناسبات پوسیده حاکم بر ایران، بطرح ایده های خود در انطباق با شرایط ویژه ای که در بطن آن می زیست پرداخت و سرفصلی نو در ادبیات معاصر گشود. ظرافت و دقت او در بیان کلام، که همواره در قالب تمثیلات کودکانه عرضه شده بیانگر وسعت نظر و نوآوری او در طرح ایده هاست. نقش آفرینان قصه هایش، هر یک زبان حال وضعیت جامعه می گردند و آهنگ بیداری کلامش، خواب از دیده های بسته بر می گیرد . دانه برف هنوز سخن تمام نکرده از پای در می آید، درخت هلوی پر بار دو کودک زحمتکش روستائی، پس از سالها رنج با بوق و کرنای خرافه و در اوج رذالت، ضمیمه باغ اربابی می گردد و ماهی سیاه کوچولو، جویبار تنگ و باریک را رها میکند و با شکستن حصار بلند سنتها، دیوار رعب و هراس کاذب را در هم میکوبد تا به جمع ۹۹۹ هزار ماهی سیاه دیگر در دریا بپیوندد. و سرانجام " ۲۴ ساعت در خواب و بیداری " پسرک داستانش آرزو میکند کاش " مسلسل پشت شیشه ویتترین "

کارگران پیشرو و مبارز!

با سازماندهی کمیته های مخفی کارخانه. هسته های سرخ و با تلفیق فعالیت علنی و مخفی به توده کارگران در جهت ایجاد شکل های مستقل و تحقق خواستهای فوری شان یاری رسانید.

آخرین اطلاعیه ها . نشریات و اسناد سازمان اتحاد فدائیان کمونیست را در

سایت <https://fedayi.org> و همچنین کانال تلگرامی

<https://t.me/fedayi1349> دریافت کنید .

تماس با سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

روابط عمومی سازمان

webmaster@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

کمیته تهران

Tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karaj@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کار، مسکن، آزادی ، جمهوری فدراتیو شورائی!